

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"

سوم جنوری 2012

فراموشی

به یاد لعلت از چشم گهر ریخت به فکر قدت از آهم شر ریخت
تو ای صیاد، رحمی کن خدا را به آن مرغی که در دام تو پر ریخت
شدم خونین جگر از فرقت تو سرشک از دیده با خون جگر ریخت
تو تا رفتی ز چشم ای نور دیده سیه شد روزم و نور از بصر ریخت
سری میخواست در پایش فتادن به پیشش سر بسر دیدم که سر ریخت
کمرها زیر بار غصه خم شد چو زلف آن پریرو تا کمر ریخت

«اسیر» ما ز عمری در قفس ماند

که صیادش ز خاطر برد و پر ریخت

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، حمل 1330 ش)